

یا علی اشکر الله بما زین رأسک یا کلیل الثناء فی ایام ربک مالک الاسماء ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



رقم (12) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اقتدارات - صفحه 182
- 190

(12)

یا علی اشکر الله بما زین رأسک یا کلیل الثناء فی ایام ربک مالک الاسماء و هیکلک بطراز خدمته فی الامکان
قد عرفنا توجهک الی بعض الجهات و هجرتک فی سبیل الله منزل الآیات هذا ینبغی لک و لكل مقبل انقطع
فی حبه عما سواه

ای علی در کل احوال در اتحاد قلوب و اجتماعهم بر شریعه امریه الهیه سعی بلیغ مبذول دارید اگر چه بفضل
الله بطراز اخلاق مزینی و لکن هر چه بر آن بیفزائی عند الله احب بوده تا کل باخلاق حسنه آن جناب بشرط
وهاب توجه کنند و در کل احیان مراقب امر باشید چنانچه در الواح قبلیه از قلم امریه نازل شده مشاهده در
فضل و عنایت و الطاف حق نما ساهاست که یکی از عباد که تو بآن عارفی مع آنکه در سر سر او و تبعه او
بکلمات نالایقه و نفعات منتنه و شیء و نات نفسانیه مشغول بوده اند و حق بر کل مطلع و محیط ستر فرمودیم و
چون در ظاهر باسم الله و ذکر او ناطق تعرض نمودیم و در سنین معدودات از مطلع آیات الواح منیعه مخصوص
او نازل و ارسال شد و در جمیع احوال تصریحا و تلویحا او را بمقام پاک که مقدس از شایبه نفس و هستی
است دعوت نمودیم که شاید بمقامات عالیه متمتع فائز شود کل ذلک من فضل ربک و رحمته و عنایتی چه که
دوست نداشته و نداریم که نفسی از ما خلق له محروم ماند و از ما قدر له بی نصیب گردد مع این عنایات



ORIGINAL

متواتره و الطاف متابعه کانه حق را غافل دانسته و سبب این ستر حق بوده قل روحی و نفسی لک الفداء یا ستار العالمین

ای علی مشاهده در امر رسول الله نما که اول امر در کمال ترقی و استعلاء بوده و بعد توقف نموده یکی از اسباب مانعه آنکه نفسی برخاستند و بدعوی اینکه ما اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعه الهیه و مکامن عز ربانیه ممنوع نمودند قل تالله کل ظاهر اعلی من باطنکم و کل قشر انور من لبکم قد ترک المخلصون بواطنکم کما ترک العظام للکلاب این ایام احکام الهیه از مشرق بیان ربانیه مشرق انشاء الله از بعد ارسال میشود و این دو آیه مبارکه که در آن لوح اقدس نازل من الناس من یقعد صف النعال طلبا لصدر الجلال قل من انت یا ایها الغافل الغرار و منهم من یدعی الباطن و باطن الباطن قل یا ایها الکذاب تالله ما عندک انه من القشور ترکاها لکم کما ترک العظام للکلاب ملاحظه نمائید هر نفسی از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی از بحر اعظم خارج نمود و بتوهمات نفسانیه و شیء و نوات هوائیه بتمام مکر و خدعه قیام کرد و فرقه اسلام را متفرق ساخت قل یا ایها الموهوم ان الباطن و باطن الباطن و الباطن الذی جعله الله مقدسا عن الباطن و الظاهر الی ما لا نهیة لها یطوف حول هذا الظاهر الذی ینطق بالحق فی قطب العالم قد ظهر الاسم الاعظم و مالک الامم و سلطان القدم لیس لاحد مفر و لا مستقر الا لمن تمسک بهذه العروة النوراء الیها اشرفت الارض و السماء و لاح العرش و الثری و اضاء ملکوت السماء و انار الافق الاعلی اتقوا یا قوم و لا تتبعوا اهواء الذین اتبعوا الهوی و لا اوهام الذین قاموا علی المکر فی ملکوت الانشاء توجهوا بوجه بیضاء و غرر غراء الی مطلع آیات ربکم مالک الآخرة و الاولی كذلك قضی الامر فی اللوح الذی جعله الله ام الالواح و مصباح الفلاح بین السموات و الارضین

ای علی تفریق امت سبب و علت ضعف کل شده و لکن الناس اکثرهم لا یفقهون بعضی از ناس که ادعای شوق و جذب و شغف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش بدار السلام میرفتند در تکیه قادریه ملاحظه مینمودند و متنبه میشدند

ای علی جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفسی الحق که مشاهده شده نفسی از آن نفوس زیاده از اربع ساعات متصل خود را بحجر و مدر و جدار میزد که بیم هلاکت بود بعد منصعقا بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابداء شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردند ان الله بریء منهم و نحن برآء ان ربک لهو العلیم الخبیر یعلم خائفة الاعین و ما فی صدور العالمین و همچنین جمعی هستند برفاعی معروفند آن نفوس بقول خود در آتش میروند و در احیان جذبه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنیکه ناظر چنین گمان میکند که اعضای خود را قطع نموده اند کل ذلک حیل و مکر و خدع من عند انفسهم الا انهم من الاخسرین جمیع این امور برأی العین مشاهده شده و اکثری از ناس دیده اند بسیار محبوبست که یکی از آن نفوس موهومه بآن ارض توجه نماید و

تکایای مذکوره و ما یحدث فیها را مشاهده کند که شاید بخطرات نفسانیه و توهمات انفس خادعه از شطر احدیه و مالک بریه ممنوع نشود

ای علی جمعی در جزائر هند بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده اند و با وحوش انس گرفته اند و لیلی و ایام بریاضات شاقه مشغولند و باذکار ناطق مع ذلک احدی از آن نفوس عند الله مذکور نه با اینکه خود را از اقطاب و اوتاد و افراد ارض می‌شمرند لیوم رداء افعال و اکلیل اعمال ذکر اسم اعظم در ظاهر و باطن بوده انه لکلمة بها فصل بین کل حزب و نفس کل جبل و سقط کل نجم و کسف کل شمس و خسف کل قمر و انفطر کل سماء و انشق کل ارض و غیض کل بحر و ارتعد کل قنة و انقعر کل جذع و اضطرب کل هضب و ارتعش کل بطح الا من شاء ربک المقتدر القدیر من اقر بما اقره الله و اعترف بما اعترفه الله انه من اهل البهآء فی ملکوت الانشاء کذلک نزل من افق الوحی امر ربک المبرم العزیز الحکیم

اگر چه لایق نه که قلم اعلی باین بیانات مشغول شود و لکن نظر بفضل و سبقت رحمت قلم رحمن بامثال این بیان ناطق است این الاقویآء و این مظاهر الاستقامة فی ملکوت الانشاء و این مطالع الاقتدار فی جبروت الانقطاع؟

ای علی تا حال اصبع اقتدار خرق استار نموده ان ربک هو الستار از خدا بطلب که آن نفوس را باستقامت تمام منقطعین عن سویه بر امر مالک انام و سلطان ایام ثابت و راسخ فرماید لعمری بذلک ترفع اذ کارهم و تثبت اسمآئهم و تحقق مقاماتهم و تفتح علی وجوههم ابواب عرفانی الذی کان اصل الامر و مبدئه و اس المقام و سلطانه طوبی لمن نبذ الدنيا و ما یذکر فیها و توجه بالقلب الانور الی منظر ربه المتعالی المقتدر العلی العظیم زحمت شما بسیار است احمل کما حمل فوقها هذا القلب الارق الادق الاشفق اللطیف البدیع المنیر چه که باید ناس را بحکمت چنانچه در کل الواح بآن امر شده از اوهامات نفسیه و شیء ونات غیر مرضیه بنصائح بالغه و حکم ربانیه مقدس نمائید و بشطر اقدس کشانید اول امر و اعظم آن استقامت بر امر بوده انشاء الله باید در کل احوال بخدمت مشغول باشید چنانچه هستید انما البهآء علیک و علی من احبک خالصا لله ربک و رب العالمین